

1. امیدوار بودم با گذشت سه ماه و بعد از فرونشستن هیاهوی انتخابات و دعوی دادگاه، جریان کارزار به دور از هیجان به کالبدشکافی عدم توفیق خود بپردازد. اما چنین نشد و یا لاف خروچی قابل توجهی در این زمینه بیرون نیامد. از دو حال خارج نیست: یا چنین فرایندی با کندی بسیار در جریان است و یا اصولاً حرکتی انجام نشده است. به همین دلیل با این نوشته سعی می‌کنم به شروع یا فعال شدن چنین بحثی کمک کنم.
2. پنج سال پیش، یکی از اعضای قدیم کنگره طیف‌های مختلف را با اصطلاحات راست و چپ و میانه نامگذاری می‌کرد. در انتخابات سال 2015، جناح موسوم به راست (در واقع همان اپوزسیون سنتی) در مقابل موج کمپین موسوم به "من هم یک ایرانی کانادایی هستم" شکست خورد و برای چندین سال از کنگره فاصله گرفت.
3. همان زمان بنده در یکی از اولین پستهای این فروم (در ژانویه 2016) نوشتم:

....
"متأسفانه به نظر من طیفی که از آنان به عنوان "جناح راست" تعبیر می‌کنند به دلایل متعدد در ظرفیت و قابلیت همکاری دموکراتیک نیست.

-طیف مذکور بر اساس یک تفاهم مشترک بر "براندازی" شکل گرفته و نه یک تصویر مشترک از آینده‌ای که باید ساخته شود. نواهای مختلفی که از این طیف شنیده می‌شود فقط از جنبه انتقادی با هم هم‌فاز هستند. هر گونه کنش اجتماعی که بی‌اعتنا به نگاه براندازانه ایشان در جامعه ظاهر شود مورد اتهام قرار می‌گیرد.
-نگرش آنان اصولاً مبتنی بر تعریف خط قرمزهای متعدد و بطور مشخص مرزبندی با غیرخودی‌ها است. به همین دلیل در صورتی که در یک برنامه و کنش اجتماعی در اکثریت نباشند، توانایی عملیاتی خود را از دست می‌دهند (مثال بارزش هیات مدیره کنونی).
-طیف مذکور از نظر یادگیری و تطبیق‌پذیری فاقد انعطاف‌پذیری لازم است. مصالحه، چانه‌زنی، مذاکره و ... امروزه از ضروری‌ترین نیازها و مهارت‌های دیپلماتیک هستند. در طیف راست شاید معدودی از افراد با تجربه واجد این انعطاف‌پذیری باشند.
-طیف مذکور به دلیل گسست تاریخی از نسل‌های متاخر ایرانیان (که هم‌اکنون تعداد آنان با شتاب فزاینده‌ای در کانادا در حال افزایش است)، تصویر واقع‌بینانه‌ای از تغییرات شگرفی که در باورهای این نسل‌ها نسبت به گذشته بوجود آمده ندارند."

.....
4. طیف موسوم به "میانه" (به سردمداری تابع محمدی و کهنمویی و ...) از زمستان 2016 به تدریج وارد یک دوره انفعال و بی‌برنامگی شد که به مدت دو سال تداوم یافت. کارنامه این طیف در این دوره دو ساله چیز قابل توجهی برای گفتن باقی نگذاشت.
5. بعد از دوره انفعال دو ساله، طیف مذکور تلاشی را (بدون جلب همکاری از سایر طیف‌ها) برای حضور در انتخابات 2018 آغاز کرد که با چند تصمیم‌گیری غلط در هفته‌ها و روزهای آخر به نوعی خودکشی انتخاباتی منجر شد. مهمترین اشتباه از دید بنده، ترویج و تلفیق نگاه انقلابی با حضور انتخاباتی بود. طیف مذکور شاید می‌توانست همین نتیجه‌ای را که در دسامبر 2020 به آن رسید در 2018 هم کسب کند. اما با خروج منفعل در شب قبل از انتخابات، ترجیح داد کسب این تجربه را دو سال و نیم به تعویق بیندازد. یک اتلاف وقت کامل.

6. در یک سال اخیر، طیف موسوم به "میانه" تلاش کرد با جلب رضایت بخشهایی از طیف موسوم به "جناح راست" (همان اپوزسیون سنتی) تجربه تاریخی کمپین "من هم یک ایرانی کانادایی هستم" را بار دیگر تحت عنوان "کارزار" شبیه‌سازی کند. به اعتقاد بنده، کارزار یون حتی اگر در انتخابات همه یا اکثر صندلی‌ها را هم می‌گرفتند، دستاوردی فراتر از سال 2015 نصیبشان نمی‌شد. یعنی جنجال‌های فرسایشی در جلسات هیات مدیره، راندمان پایین و نهایتاً استعفا‌های مکرر. چون همانطور که در بند 3 گفته شد، روحیه تمامیتخواه طیف موسوم به راست (اپوزسیون سنتی) امکان همکاری تیمی با افراد غیر همفکرشان را سلب می‌کند. بعلاوه، بسیاری از افراد این طیف فقط با هدف زمین زدن کنگره و فروپاشی یا حداقل عقیم کردن آن وارد بازی انتخابات امسال شدند.

7. در مورد آینده مایل نیستم زیاد در اینجا چیزی بگویم. مسلماً بدخواهان کنگره بعد از این صریح‌تر و خشن‌تر به حملاتشان علیه کنگره ادامه خواهند داد. رییس اسبق کنگره (رضا بنایی) و همسویانش (که کینه سنگینی هم از سال 2015 از طیف میانه دارند و به همین دلیل وارد همکاری جدی با کارزار نشدند) بر فرایند بدنام‌سازی کنگره و تحریک اختلافات دامن خواهند زد. بعضی از همفکرانشان هم که در همین صفحه حاضر هستند دائم تلاش دارند با پستهای نامربوط ولی تحریک‌آمیز، خوراکی برای "گزارش به فیس بوک" پیدا کنند تا این صفحه را به تعطیلی بکشانند.

8. طیف موسوم به "میانه" هم که فعلاً خانم مهرنوش احمدی آنها را نمایندگی می‌کند، اگر به اشتباه وارد مسیر انفعال و کناره‌گیری شوند، تقریباً هیچ برگ برنده‌ای در بازی‌های آتی نخواهند داشت. حضور و همکاری در هیات مدیره فعلی، شاید آخرین امکان برای حضور موثرشان در سیاستگزاری‌های کنگره باشد. فرصتی که اگر وارد مسیر استعفا شوند، برای همیشه از بین خواهد رفت.

9. دوستان عضو هیات مدیره خوب است که کاملاً هشیار باشند. ریزش تعداد اعضای کنگره به هزار نفر یا کمتر از آن، زنگ خطری برای ظهور کودتاچیان خواهد شد. همان سناریویی که در سال 2012 امثال فرخ زندی و کاوه شهروز را با دوپست رای به صندلی هیات مدیره رساند، ممکن است باز هم تکرار شود.

کسانی که گذشته را به یاد نیاورند، محکومند که دوباره آن را تکرار کنند.

21 comments

Tayaz Fakhri

مثل همیشه عالی نوشتی مهران جان!

از زاویه‌ای دیگه می‌تونم حرفت رو ادامه بدم؛

دو گروه آدم در کنگره (و دنیا) هستند. آنهایی که آمده‌اند تا قانع نشوند!

آنهایی که امید دارند تا اشتباهشون رو بفهمند و قانع بشن.

دسته راست افراطی همیشه جزو اون گروه اول "قانع‌نشو" بوده، در حالیکه اون جناح‌های چپ و میانه باز به نسبت هر دو گروه آدم رو در خود دارند.

و در آخر فکر می‌کنم طبق قوانین تکامل طبیعی، پیروزی نهایی با آنهایی است که آماده‌ی پذیرفتن اشتباهاتشون هستند و از اونها دنده عقب می‌گیرند.

5

1y o

Mohamad Solymani

من به این پرسش ذهنی فکر میکنم که آیا طیف میانه سال ۲۰۱۸ که البته در شناسنامه فعالیت اجتماعی خود مهر دیدگاه چپ را نیز یدک میکشدکماکان در میانه باقیمانده است یا مانند هجرت از چپ به میانه، بسمت راست کرنش کرده است؟

3

1y

Mehran Farazmand

Mohamad Solymani

متأسفانه، خوب یا بد، طیف موسوم به "میانه" براساس یک مبنای فکری ثابت شکل نگرفته. یادتان هست در سالهای 2016 و 2017 ارسلان کهنمویی تلاش داشت تئوری باهمستان سازی را صورت بندی کند. با این حال، رادیکال ترین حرکتها، از جمله طرح دعوی حقوقی و بلاک کردن افراد غیر همفکر از سوی همین جریان آغاز شد. تمایل به کسب قدرت در کنگره باعث شده این جریان از بده و بستان با طیف موسوم به راست (اپوزسیون سنتی) فراتر رود و عملاً تا حدی بازیچه آنها شود.

2

1y ▪

Reza Namdari

Mehran من بابت همین کارها دقیقاً با استفاده از عبارت «میانہ رو» برای این جماعت خیلی موافق نیستم! درست مانند تیم میانہ روہای داخل ج ا کہ میرن با راست وحشی داخلی میبندن برای سرکوب نیروہای پیشروی جامعہ و کسی معترضشون میشہ میگن ما میانہ رو ہستیم، اینا ہم میرن با راست وحشی جہانی میبندن علیہ نیروہای پیشروی جامعہ ایرانی کانادایی و وقتی بہشون اعتراض میشہ ہم قیافہ مظلوم میگیرن کہ ما کہ مثل اونا نیستیم! این وسط قربانی ہم ہمیشہ نیروہای پیشرویی میشن کہ ہمہ انرژی و توانشون رو گذاشتن برای بہتر کردن وضعیت و باید ہم ہزینہ بدن، ہم فحش بخورن و ہم کار رو پیش ببرن...

4

ly

Mohamad Solymani

Mehran Farazmand

من یقین دارم نیرو، جریان و افرادی کہ دارای باور اجتماعی (نیروی میانہ دارای باور و معتقد بہ بکرشہ ارزشہا است) و ارزشہای اخلاقی بودہ برای باورہای خود ارزش و احترام قائل باشند محال است بہر قیمت با نیروہائی کہ از منظر باور اجتماعی و ارزشہای اخلاقی فاصلہ بسیار دارند وارد ہمکاری شوند. آنچه را شما نیروی "میانہ" قلمداد میکنید در حقیقت راست خجالتی ہستند. بہمین دلیل براحتی کنار افرادی چون محی الدین، روحانی و عوامل جریان مزدوری رجوی قرار میگیرند و بہ بہانہ ہای خود فریب بہ ہمکاری میپردازند. ہمکاری آنها با چنین افراد و نیروہائی بواسطہ نزدیکی فکری-عقیدتی است. ہر جا نت ورک قوی و فرصت برای رشد و پیشرفت در کار و حرفہ وجود داشتہ باشد، تفکر میانہ رو با محمد بن سلمان نیز بہ رختخواب خواہد رفت، آروین کاتلر کہ سہل است. میانہ روی مادام العمر نیست با نسیم منافع مادی چون بیریقی بسمت راست بہ وزش در خواہد آمد!

ly

Omid Maghsoodi

شما احتیاج بہ اینہ rear view برای نگاہ بہ گذشتہ ندارید. نگاہی صادقانہ بہ خود در اینہ real view بیاندازید تا موضوع دستگیرتان شود.

ly

Medi Shams

از آنجاییکہ اکثر ۳۵۰۰ عضو کنگرہ جدید میباشند و آنہایی ہم کہ نسبتن قدیمی میباشند خیلی زود فراموش میکنند و یالینکہ اصلن توجہ نمیکنند لازم است کہ حداقلی را بدانند و یا بہ یادآورند تا از فرصتی کہ مہران عزیز برای ما بوجود آورده است بیشتر بہرہ بگیریم.

بہ شخصہ در آخرین مقالہ ام نظر خود را در رابطہ با آنچه در حال صورت گرفتن است را اینگونہ مطرح کردہ ام: «در عین حال کہ بہ نظر میاید از بعد از انتخابات در رابطہ با کنگرہ ایرانیان فعالیتی صورت نمیگیرد ولی تغییر و تحولات ذہنی با چنان سرعتی پیش میروند کہ تحلیل آنها با همان سرعت امکان پذیر نیست. بازگشایی صفحہ فروم کنگرہ بر روی عموم یکی از عوامل اصلی این تغییرات میباشد.»

مہران عزیز چنین میگوید: «در مورد آیندہ مایل نیستم زیاد در اینجا چیزی بگویم»، باید بہ ایشان بگویم کہ تحلیل آنچه میگذرد آنقدر پیچیدہ است کہ همچو منی کہ نیم قدمی جلوتر از دیگران را میبینم از شرحش عاجزم. چہ رسد بہ مہران عزیز کہ بہ نظر میاید ۵ سال تاخیر دارد. چون تقسیم بندی کہ تجزیہ و تحلیل خود را بر پایہ آن بنا کردہ است سہ بار تغییر کردہ است. جای تعجبی ندارد کہ ایشان نخواہد بہ آنها اشارہ کند.



1y

Medi Shams

مهران فرازمنده، یکی از آنهایی بود که اگر اشتباه نکنم توسط کاووس صوفی و از طریق کمپین «من هم یک ایرانی-کانادایی هستم» به کنگره پیوست. در کمیته مشارکت جمعی که سرپرستی آن به عهده بیژن احمدی بود فعالیت میکرد. با اینکه یکسال عضویت لازم را برای نامزدی در انتخابات را نداشت به تشویق بیژن احمدی در انتخابات ۲۰۱۶ شرکت کرد. به علت برابر بودن تعداد کاندیداها و تعداد اعضای هیئت مدیره مورد جایگزینی در آن سال انتخابات صورت نگرفت. مهران فرازمنده به اتفاق ۶ عضو دیگر بدون آنکه منتخب اعضای باشند به هیئت مدیره پیوستند که بازگشایی سفارت، برقرار مجدد روابط دیپلماتیک، بوجود آوردن تسهیلات بانکی، چهره سازی رژیم را در صدر برنامه های خود داشتند. مهران فرازمنده تنها عضو هیئت مدیره بود که در یکی از تصمیم گیری های هیئت مدیره مخالفت کرده بود وگرنه در اکثر تصمیم گیری ها هر ۹ اعضای هیئت مدیره همیشه موافق بودند. مهران فرازمنده یکی از آنهایی بود که به وجودیت صفحه ای سی سی فوروم مخالفت میکرد. مهران فرازمنده از اولین دست اندرکاران ای سی سی ژورنال بوده که حدود یکسال از اعلام هویت خود خوداری کرده بودند. پرونده ای علیه ای سی سی ژورنال از جمله مهران فرازمنده در جریان میباشد. مهران فرازمنده یکی از شاکیان پرونده علیه من میباشد که آنهم هنوز در جریان میباشد. فعالیت های مهران فرازمنده با ای سی سی ژورنال همچنان ادامه دارد.



1y

Medi Shams

۱- اگر بخواهیم به وقایع بصورت کوتاه مدت نگاه کنیم، انتخابات ۲۰۱۵ پیروزی برای جناح میانه آنروز بود. با نگرشی دراز مدت وقایع به اثبات رسانده اند که آن یک شکست برای کامیونیتی بیش نبود و انتخابات ۲۰۱۵ آستان پدیده ای به نام همسویان منافع جمهوری اسلامی بود که اگر فعالان تیم چهل نفره «من هم یک ایرانی-کانادایی هستم» از آن آگاهی داشتند به هیچ عنوان به بیژن احمدی و سوده قاسمی اعتماد نمیکردند و شهرام تابع محمدی حتمن نام خود را در لیست چهار نفره تیم کمپین قرار میداد.

با استناد به این مقدمه نه فقط قصد دارم که به مهران فرازمنده بلکه به تمام آنهایی که به اندازه کافی خود را صاحب نظر میدانند بگویم که در تحلیل شکست و پیروزی ها زیاد عجله نکنند که شرایط امروزی در مقایسه با آنچه در سال ۲۰۱۵ گذشت بسیار پیچیده تر و زمان آستان پدیده هایست که تصورش هم ممکن نیست.



ly

Mohamad Solymani

دقت کنید شما اکنون مبحثی را گشودید و در ادامه، من نیز بنوبه خود به بار کلام شما اندی افزودم. اگر نیروی میانه ای در کار باشد این دعاوی را بطور مستدل و منطقی به چالش میکشد اما آنها به نیکی میدانند نه توان و نه ظرفیت گفتگوی مستدل دارند، البته مونولوگ، تک صدایی سخنی دیگر است، در شهروند و به تنهایی نزد قاضی رفتن موضوعی دیگر است. شهروند خیابان یکطرفه است یا بنایی با مرسدس بنز خود یا تابع محمدی و کهنمویی با وسایل نقلیه خود یکه نازی میکنند و ورود برای غیرخودیها ممنوع است دقیقا کپی برابر اصل (جمهوری اسلامی) است. تک صدایی، سانسور و حذف!

ly

Medi Shams

۲- پنج سال پیش آن عضو قدیمی من بودم که سعی کردم که برای اولین بار به شناخت و مطرح کردن علنی گرایشات سیاسی فعالان اجتماعی بپردازم. این حرکت بعد ها به جریان کی کیست؟! مبدل شد و امروز عدالت ۸۸ کم و بیش آنرا بصورت گسترده و رسانه ای دنبال میکند. راست، میانه و چپ، اولین تقسیم بندی بود که به واقعیات نزدیک بود ولی از آن نظر که غیر از براندازان کسان دیگر تمایل زیادی به روشن شدن گرایشات سیاسی خود نداشتند مشکلاتی را به همراه داشت. مهران فراز مند یکی از آنهایی بود که با این تقسیم بندی مخالف بود و نیازی به آن نمیدید، ولی امروز تحلیل خود را بر پایه آن نهاده است. آن زمان فقط براندازان (جناح راست) بودند که دارای تشکل سی ساله بوده و فعالیت هایشان علنی بود. جناح میانه تازه داشت شکل میگرفت. ارسال کهنمویی پور و شهرام تابع محمدی از مهره های اصلی آن بودند که فعالیت های خود را از سال ۲۰۱۲ آغاز کرده بودند. جناح چپ بدون تشکل کم و بیش از محفل های شیراز، پریا، و گفت و شنید بصورت پراکنده در فعالیت بود. پرویز حقگو نیز فعالیت هایی را دنبال میکرد و سعید سلطانیپور که در محفل گفت و شنید نیز حضور داشت عامل اجرایی تصمیمات ایشان بود.



ly

Reza Namdari

Medi

مشکل اینجاست که امروز هم جناح راست نه تشکیلاتی سی ساله، که تشکیلاتی ۴۰ ساله دارد. در این سوی قصه اما همچنان به قول

مارتین لوترکینگ، رهبر جنبش مدنی سیاهپوستان آمریکایی «آنها که صلح را دوست دارند، باید یاد بگیرند تا به خوبی آنها که جنگ را دوست دارند سازماندهی کنند.» مشغول یادگیری هستیم و حتما خواهیم آموخت...

1y

Medi Shams

۳- آنچه را که مهراں فرازمنند در بند ۳ مطلب خود عنوان میکند و به گفته خودش در ژانویه ۲۰۱۶ آزمایمانی که هنوز به هیئت مدیره نپیوسته بود به قلم آورده است مو به مو به جناحی که به همسویان با منافع جمهوری اسلامی نام میگردد نیز صادق است:

-عدم ظرفیت و قابلیت همکاری دموکراتیک (نحوه تشکل هیئت مدیره ۲۰۱۶- غیر منتخب بودن ۷ نفر از اعضای هیئت مدیره ۹ نفره - عدم استقلال فکری اکثر اعضای هیئت مدیره از جمله مهراں فرازمنند - مبادرت تایاز فخری به وجودیت و استقلال که با برخورد شدید بیژن احمدی روبرو میگردد - حذف اطلاعات سال های قبل از سایت کنگره توسط بیژن احمدی - ممانعت استفاده از صفحه ای سی سی فوروم توسط اعضاء - حذف مطالب سال قبل از صفحه ای سی سی فوروم - و نکات دیگر(.....)

-شکل گیری بر اساس یک تفاهم (این تفاهم به دو صورت در سال ۲۰۱۶ شکل میگردد یکی تابعیت از احکام بیژن احمدی و دیگر در همسویی با منافع جمهوری اسلامی). این طیف هم تصویر مشترکی از آینده ای که باید ساخته شود نداشته و ندارد. مگر اینکه دو قطبی شدن کامیونیتی و وضعیت وخیم امروز را همانی دانیم که آنها در پی بوجود آوردنش بوده اند. در این دوره بود که اینجانب و خانواده ام برای اولین بار توسط سعید سلطانیپور و محمد سلیمانی و بعدها توسط ای سی ژورنال وابسته به مجاهدین خوانده میشوم. دقتت به همان صورت که در دوره قبل توسط براندازان عامل جمهوری اسلامی خوانده میشدم. از این نظر هیچ فرقی میان نحوه عمل این دو طیف وجود ندارد.

-مرز بندی و خطوط قرمز - زمانی که مهراں فرازمنند از مرز بندی ها مینوشت به فکر شیش هم نمیرسید که روزی خودش عامل خلاف ها و غیر قانونمندی ها خواهد بود. حذف یک کاندیدای انتخاباتی در این دوره صورت میگردد. خاموش کردن مخالفین از طریق اخطار های قانونی و متوسل شدن ها متعدد بیژن احمدی به قانون در این دوره صورت میگردد. خلافتکاری ها در لیست اعضاء که میبایست با تمام نیرو برای جلوگیری از برملا شدن آن تلاش کرد در این دوره صورت میگردد. شکایت چهار متقاضی از هیئت مدیره در این دوره صورت میگردد. اعترافات به خلاف ها توسط رییس و نایب رییس هیئت مدیره در این دوره صورت میگردد. دو قطبی شد در این دوره صورت میگردد. اتهامات جنگ طلب و تحریم چی به مخالفین در این دوره صورت میگردد. تهدید مخالفین توسط عوامل رژیم از ایران در این دوره صورت میگردد. از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ هیچ انتخابات به معنای واقعی نداشته ایم. با اینکه هیئت مدیره ها ۱۰۰٪ یک دست بوده اند فعالیت غیر از تلاش در جهت بازگشایی سفارت، برقراری روابط دیپلماتیک، مخالفت با تحریم ها، بوجود آوردن تسهیلات بانکی که هیچگونه موفقیتی نداشته اند صورت نگرفته است. امسال نیز شاهد هستیم که حتی تحمل یک عضو مخالف را نیز ندارند.

-مصالحه، چانه زنی، مذاکره - پنج سال تجربه در کنگره کافی نبوده تا این طیف بتواند حداقل با اعضای خود به توافق هایی برسند و انعطاف لازم برای کنار آمدن فقط با یک عضو (هومن شیرازی) و یا مهرانوش احمدی را از خود نشان دهند. نتایج به دست آمده در جامعه بزرگتر از سیاست های اجرایی این طیف که جز از دست دادن اعتبار برای کامیونیتی نبوده خود بیان کننده مهارت های دیپلماتیک این طیف میباشند.

-تصویر واقع بینانه از نسل امروزی - متأسفانه نسل پرورش یافته در فرهنگ جمهوری اسلامی خود قادر نیست که آنچه لازمه زیست در یک کشور آزاد و دموکراتیک است را به اجرا در آورد.

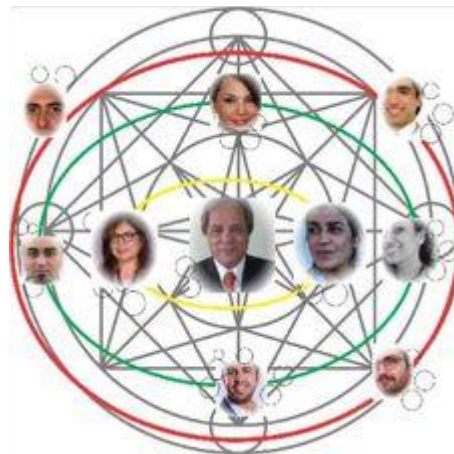
لطفی در تکمیل و تصحیح همکاری کنید

تاریخچه متصل شدن به مراجع حقوقی قضایی	
۱	معزز آقایان: رضا لطفی / شهناز لطفی / محبت صدوره / شکره ابراهیم / مشاوره حقوقی - خدمات رده بانایی از کانونهای ابتدایی تهران / ژانویه ۲۰۱۵
۲	مشاوره حقوقی - خدمات رده بانایی از کانونهای ابتدایی تهران / مه ۲۰۱۵
۳	اختیار به به اعضای هیئت مدیره و کمیته انتخابات / رضا لطفی - همسر آقای آزاد لطفی / محبت صدوره / شکره ابراهیم / مشاوره حقوقی - خدمات رده بانایی از کانونهای ابتدایی تهران / مه ۲۰۱۵
۴	اختیار به به شهرام تابع محمدی در رابطه با مقاله ایشان / ۲۰۱۶
۵	هیئت مدیره / شکره ابراهیم / مراجعه به نیرو های قضایی جهت معالجت از نظرات بکشوراهبهت مدرس / دسامبر ۲۰۱۶
۶	اختیار به به سلمان سهدا در رابطه با مطلب ایشان در لوبیز / مارچ ۲۰۱۸
۷	اختیار به به آند تیزو به اتهام افتر / مارچ ۲۰۱۸
۸	شکایات شهرام تابع محمدی از آقای سخی / دسامبر ۲۰۱۸
۹	شکایات چهار مقامی از هیئت مدیره شکره ابراهیم / مارچ ۲۰۱۸
۱۰	شکایات آقای سخی از شهرام تابع محمدی و مهدی شمس / جولای ۲۰۱۸

ly

Medi Shams

۴- در سال های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ گرچه بازگشایی سفارت، برقراری روابط دیپلماتیک، مخالفت با تحریم ها، بوجود آوردن تسهیلات بانکی، چهره سازی رژیم که هیچگونه موفقیتی در رابطه با خود موضوع نداشتند در اذهان عمومی مطرح بودند ولی شکل گیری طیف همسو را که تا آزمان همچو آتشی زیر خاکستر بود به همراه داشتند. تمایز بین طیف میانی و طیف چپ سابق و همسو جدید در این دوره مشخص میگردد. در این دوره میباید که رسانه های ایران استار و سلام تورنتو تمایلات جناحی خود را نشان میدهند. بیژن احمدی را میتوان پایه گذار و شکل دهنده این جناح دانست. درضمن طیف میانه به جناح راست نزدیک و اولین نشان ها از دو قطبی شدن کامیونیتی به تدریج خود را نشان میدهد.



ly

Medi Shams

۵- آنچه را مهران فرازمنند دوره انفعال دو ساله ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ میداند دوره شکل گیری به تمام معنای همسویان بود. پدیده های اجتماعی از هم منفک نیستند. مادام در ارتباط بوده و در مجموع در تعادلند. خروج استراتژیکی از انتخابات شخص من در سال ۲۰۱۶ باعث گردید که در آن سال انتخابات صورت نگیرد. خروج از انتخابات تنها چهار متقاضی مخالف که مجمع عمومی ۲۰۱۸ را به همراه داشت نقطه عطف پایانی دوره قدیم بیژن احمدی بود که در آن مجمع ثبت گردید. مقایسه انتخابات ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰ و به آنها نگرستن با یک نگاه نشان از عدم درک تغییرات اساسی در کامیونیتی است. خروج بیژن احمدی از صحنه فعالیت های کامیونیتی در آوریل ۲۰۱۸ آغاز و در اگوست ۲۰۲۰ با استعفا که نشان از شکست ایشان در این مرحله بود به پایان رسید. این یکی از وقایع بسیار

پر اهمیت میباشد چون بیژن احمدی در آینده در کامیونیتی نقش مهمی را در صحنه دیگری بازی خواهد کرد که کمتر کسی به آن توجه دارد.

آنچه در فعالیت های اجتماعی بی معناست «اتلاف وقت» است. هیچ پدیده ای شکل نمیگیرد مگر آنکه آمادگی اش بوجود آید. آنچه را که به عنوان اتلاف وقت میبنداریم مانند گرم شدن قبل از به جوش آمدن آب است. از زمانی که پرونده علیه هیبت مدیره سابق آغاز گردید سخن از طیف میانه گفتن بی معناست. یکی از دستاورد های پرونده حقوقی تغییرات در شکل گیری نیرو هاست که قطبی شدن کامیونیتی را به همراه داشت. امروز کم و بیش برای همه مشخص شده است که دو طیف گرایی در مقابل هم قرار نگرفته اند. کامیونیتی یک دولت بیگانه را در مقابل خود دارد و با در نظر داشتن این نکته مهم مبارزان باید نیروی خود را آرایش دهند. نکته جالب تر اینکه طرف مقابل نیز آلت دستی بیش نیست که خود این مهم را نمیداند.

<https://www.facebook.com/watch/?v=1908084092566384>

ly

Medi Shams

۶- هنوز هم به نظر میاید که مهران فراز مند به تغییرات بوجود آمده در تقسیم بندی های طیف های مختلف آگاه نشده است و یا نمیخواهد آنرا بپذیرد. ترجیح میدهد که بر پایه جناح بندی طیف ها در سال ۲۰۱۴ اتکاء کند. نه آمادگی آنرا دارد و در جهت منافع خود میبندد که تقسیم بندی بعد از آن را که دیگر از جناح چپ سخنی نبود و به جناح همسو مبدل شده بود را مطرح کند. پذیرش اینکه طیفی در کامیونیتی شکل گرفته بود و ایشان را نیز شامل میشد و در اذهان عمومی به عنوان هوادار جمهوری اسلامی به حساب میایند برای ایشان هنوز هم مشکل است. با چنین دیدی چگونه میتوان در تحلیل پدیده ها و اقیایات را آنطو که هستند دید؟

کمپین کارزار تغییر و تشکل متکثر ۹ کاندیدای آن از همه گرایشات در مقابل همسویان تصویر واضحی از شکل گیری دو جناح موافق و مخالف جمهوری اسلامی در مقابل هم است. یکی در جهت منافع کامیونیتی و مقابله غیر مستقیم با نفوذ و حضور جمهوری اسلامی در کانادا به اشکال مختلف، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. و دیگر متشکل از افرادی که خواه از نظر گرایشاتی هوادار و یا منافع اقتصادی همسو و یا ماموریتی عامل به حساب میایند.

تصورات مهران فراز مند نشان دیگری از متوقف شدن ذهن ایشان در سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ است. ایشان حضور آی سی ژورنال که ایشان را نیز در خود دارد و فعالیت های صلح و دیپلماسی که از سال ۲۰۱۸ آغاز شده را نادیده میگیرد. در سال ۲۰۱۵ مهران فراز مند تازه واردی در فعالیت های کامیونیتی بیش نبود. امروز ایشان یکی از مهره های شبکه ای میباشد که در مسیر شناخته شده ای حرکت میکند که منافع کامیونیتی را مقصد خود نمیداند.



ly

Medi Shams

۷- در مورد آینده کمتر کسی میتواند فعلن چیزی بگوید. بخصوص آنهاییکه تحلیل های واکنشی دارند. به نظر میاید که مهران فراز مند به اهمیت فعالیت اخیر «عدالت ۸۸» که میتواند یکی از موثر ترین فعالیت های رسانه ای در بیدار کردن اذهان عمومی نسبت به شبکه گسترده ای که چه بسا خود نداند چگونه آلت دست قرار گرفته، پی نبرده است. اگر این فعالیت فراگیر گردد میتواند مطمئن بود که نظامی در مقابله با نفوذ و حضور جمهوری اسلامی در کانادا در حال شکل گیری است. اینکه شخص رضا بنایی این حرکت را رهبری میکند نیز نکته مهم دیگریست که انگاری مهران فراز مند یا متوجه آن نگردیده و یا اینکه میخواهد از اهمیتش بکاهد.

اگر هدف داشتن رسانه ای برای گفتگو و اظهار نظر است هر صفحه ای که بسته میشود میتواند با ده صفحه دیگر جایگزین گردد. اگر انتقادی به نحوه استفاده از صفحه آی سی سی فوروم از طرف مخالفین هییت مدیره میباشد این انتقاد بیشتر به خود اعضای هییت مدیره رواست. هییت مدیره این اختیار را دارد که مدیریت این صفحه را به گروهی متشکل از دو جناح بسپارد ولی متأسفانه به نظر میاید که وضعیت بحرانی این محیط گفتگو را در جهت منافع خویش میبیند. اگر این صفحه چه توسط فیسبوک و چه توسط هییت مدیره بسته شود، مسئولیت آن بیشتر به عهده هییت مدیره است که در جایگاه مدیریت قرار دارد.



ly

Medi Shams

۸- زمانی که مهران فراز مند از احتمال استعفای مهرانوش احمدی میگوید مشخص نیست که مخاطبش کیست؟ هییت مدیره و یا مهرانوش؟ به نظر میاید که ایشان به همگان توصیه میکنند که باقی ماندن مهرانوش احمدی در هییت مدیره در جهت منافع همگان است. چه بسا منظور ایشان این باشد که استعفای مهرانوش احمدی برابر با حضور رضا نامداری در هییت مدیره خواهد بود که اقتضاحات بصورت روشن تری بر همگان آشکار خواهد گردید. شنیدن چنین این حرف از دهان کسی که در سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ در هییت مدیره ای فعالیت میکرده که هیچ صدا جز صدای بیژن احمدی از آن خارج نمیشد باعث تعجب است. در موقعیتی قرار داریم که حضور و یا عدم حضور هیچکدام از اعضاء در هییت مدیره تاثیر بر روند فعالیت های کنگره نخواهد داشت. چون به دلایل بسیار کنگره در حالتی قرار گرفته که فعلن نمیتواند کارایی داشته باشد.

آنچه در خارج از کنگره در حال صورت گرفتن است اهمیتش بیشتر از آنیست که فعلن در کنگره که خود و اعضایش را سرگرم کرده است میباشد.

پیروزی پوش که نه آمادگی و نه انتظار آنرا داشت هر دو طرف را مسخ کرده است. برای کمتر کسی مشخص است که آیا این پیروزی/ شکست در جهت منافع کوتاه مدت کامیونیتی بوده یا خیر. آنچه مسلم است در دراز مدت مناسبترین ها صورت میگیرند.

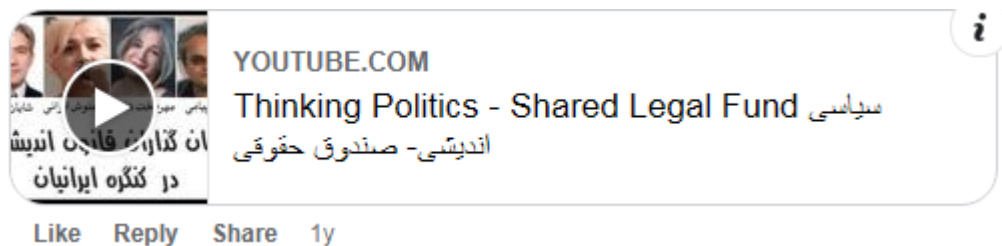


ly

Medi Shams

۹- واقعن که مایه خنده است که مهران فرازمند که تخصصش در فعالیت های پشت پرده است ناگهان آنقدر شفاف میگردد که نظرات، پیشنهادات و راهنمایی های خود را اینچنین آشکار اظهار میدارد. درست است که کامیونیتی ما بی توجه است ولی انتظار ساده لوحی تا این حد را نمیتوان نه از مخالفین و نه از موافقین داشت. داشتن ۹۰ عضو در این نهاد برای هیچکدام از اعضای هیئت مدیره ۲۰۱۸ نه خطری به حساب میامد و نه شرم. توسل به بیگانگان و امام جمعه مساجد نه در جهت فراگیری این نهاد بود و نه بالابردن اعتبار آن. به نظر میاید که مهران فرازمند یا در توهمی به سر میبرد و یا اینکه قصد دارد این توهم را در اذهان عمومی بوجود آورد. تا امروز به جز در مدت کوتاهی هیچ یک از هیئت مدیره ها کمترین اهمیت را برای حقوق اعضاء قائل نبوده اند. حتی نیاز به آرای آنها هم نداشته اند چون راه مهندسی و تقلب را بصورت فرهنگی خیلی خوب میدانند. انگاری مهران فرازمند فراموش کرده است که در دوره زندگی نه از ایشان و نه از بیژن احمدی و نه سوده قاسمی و نه مهدی صمدیان و نه تایاز فخری خبری نبود. آنها کجا بودند؟ آیا بر این باورند که با پای خود به این نهاد راه یافته اند؟ چه خوب میشد که به ویدئو های «عدالت ۸۸» با نگاه عمیق تری بنگریم و به شبکه هایی که این نهاد و اعضایش را آلت دست قرار داده اند بیشتر توجه میکردیم. مهران فرازمند بخواد و نخواهد آلت دست آی سی ژورنال است. ولی کسی که با ایشان سخن میگوید از اولین روز فعالیت هایش در کنگره مستقل اندیشیده و عمل کرده است. آیا بر این هم شک و تردیست؟ اگر نیست نباید تعجب کرد که میان تحلیل های مهران فرازمند و مهدی شمس چنین تفاوت های فاحشی وجود داشته باشد.

<https://youtu.be/lzSRixupt-4>



ly

Medi Shams

در درجه اول از مهران فرازمند تشکر میکنم که این امکان را بوجود آورد که این اطلاعات را به اشتراک بگذارم. در درجه دوم از موافقین و مخالفین متشکرم که با عدم مداخله این امکان را برای من بوجود آوردند که از مسیر خود منحرف نگردم. و در آخر از ماهی اطمینان پوزش میطلبم که نتوانستم از این خلاصه تر نظرم را بیانم کنم. با تشکر

1y

Saeed Soltanpour

بالاخره ما یک تحلیل مختصرو مفید از کنگره دیدیم.

1y